

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محسن نوربخش

۲۸ جنوری ۲۰۱۷

ترمپ،

مظهر به قدرت رسیدن نژاد پرستان افراطی در امریکا

به دنبال اعلام نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ در امریکا، برای بسیاری این سؤال مطرح شد که چرا در جامعه امریکا، یک باره فردی چون دونالد ترمپ به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. مسلماً پدیده های در هم تنیده در جوامع سرمایه داری، من جمله "انتخابات ریاست جمهوری" در امریکا را تنها با یک یا دو دلیل نمی توان بررسی و تعریف کرد. من در این نوشته سعی می کنم تا جایی که ممکن است اطلاعات کاملی از ترمپ و برخوردهای وی در جریان انتخابات امریکا به دست دهم. واقعیت این است که اگر چه بر طبق آمارگیری های متعدد دوران طولانی انتخابات اولیه در امریکا - که این بار تقریباً نزدیک به دو سال طول کشید - انتخاب نهائی ترمپ به عنوان رئیس جمهور، طبق تبلیغات کانال های رادیو - تلویزیونی و مطبوعات داخلی امریکا و همچنین در دنیای مجازی "ارتباط جمعی" پیش بینی نشده و به اصطلاح معروف "غیر مترقبه" بود، اما گردش به راست افراطی، بعد از به سر آمدن دوران ریاست جمهوری هشت ساله اوباما، خالی از انتظار نبود.

اوباما در آغاز ریاست جمهوری خود با پرداخت میلیارد ها دلار از بودجه کشور به بانک ها و مؤسسات مالی که با اختلاس و چپاول سپرده های مشتریان خود، اوضاع اقتصادی جامعه امریکا را تا سرحد سقوط و فروپاشی آن به پیش برده بودند، توانست که شوون نظام سرمایه داری را تا حدی به نفع رؤسای کمپانی های مالی مثل "گلدمن تکث"، "مورگان استانلی" و "سیتی کورپ" تثبیت بکند. در پایان سال اول حکومت اوباما، در زمانی که در اقصی نقاط کشور بیکاری و گرسنگی گریبان گیر اکثر کارگران و آحاد جامعه شده بود و بیشتر آن ها به خاطر عدم پرداخت اقساط وام مسکن شان بی خانمان شده بودند، آن سرمایه داران علاوه بر گرفتن حقوق های کلان، به بهانه حفظ و نجات مؤسسات مربوطه، از بودجه کشور به خود پاداش های چند میلیون دلاری هم دادند. بعد از گذشت هشت سال از مدیریت کشور توسط اوباما، به عنوان اولین رئیس جمهور سیاهپوست در تاریخ ۲۴۰ ساله امریکا، نارضائی عمومی از سیاست های داخلی و خارجی کابینه او با وجود واقعیت بحران های اقتصادی - اجتماعی و با کند شدن و حتی با نزول نمودار های رشد اقتصادی در امریکا که منجر به بسته شدن هرچه بیشتر کارخانجات و بیکاری هر چه روز افزون تری برای کارگران می شود، و با تقلیل و یا گاهی اوقات با حذف تمامی مزایای اجتماعی برای شهروندان و با

نمود بودجه برای ساختن پل ها و جاده های جدید و تعویق ترمیم پل ها و جاده های در حال خرابی و ریزش به آینده نامعلوم و اضمحلال تدریجی زیرساخت کل جامعه ، همه و همه به حدی بود که دفتر انتخاباتی هیلری کلینتن وزیر سابق امور خارجه اوباما - به عنوان ادامه دهنده راه و رسم اوباما را بدون شعار باقی گذاشته بود! هشت سال پیش شعار انتخاباتی اوباما "امید و تغییر" بود. اما هشت سال بعد نهایتاً و عملاً این شعار در انظار عمومی به یاس و ناامیدی و تغییر به "پس رفت" تبدیل شد. بی دلیل نبود که شعار انتخاباتی هیلری کلینتن "من با او هستم" ، یعنی من با "هیلری کلینتن" هستم بود که حرکت مثبت و دید رو به جلوی نداشت و فقط به "نخبه" بودن هیلری کلینتن ختم می شد. در حالی که شعار ترمپ "امریکا را از دوباره با عظمت بساز" بود ، شعاری که به نظر دونالد ترمپ و همپالگی هایش "مردم پسند" تر بود.

اما اتفاقاتی که در زمان اوباما - که دستگاه تبلیغاتی طرفدارش تلاش می کرد وی را به اصطلاح "خوش قلب" جا بزند - چه در داخل امریکا و چه در خارج رخ دادند ، در عمل جرج بوش ، این قاتل هزاران هزار از مردم افغانستان و عراق را روسفید کرد. اوباما و هیلری کلینتن در هشت سال گذشته در اعمال جنایات ارتش امریکا در افغانستان ، عراق ، لیبیا ، یمن و سوریه و دیگر مناطق خاورمیانه ، از جرج بوش هم جلو زدند. اوباما که دریافت کننده "جایزه صلح" در سال ۲۰۰۹ می باشد ، اولین رئیس جمهوری است که در کشتار مردم بیگناه کشور های مختلف - هنگام کشتن به اصطلاح "تروریست" ها توسط "درون" ها یا هواپیما های بدون خلبان - بالاترین آمار و ارقام را دارد. (*) همچنین می توان به این موضوع اشاره کرد که در زمان زمامداری اوباما ، دادستان کل کشور ، هشت نفر "افشاگر" که علی رغم خطر جانی و مالی برای خود به جلو آمده بودند تا از راز سری کمپانی های بزرگ ، پرده بردارند را محاکمه دادگاهی کرد. این رقم از مجموع کل همه کسانی که در زمان رؤسای جمهور دیگر از ریگان گرفته تا جرج بوش پسر در چنین زمینه ای محاکمه شده بودند ، بیشتر است. با اخراج بیش از دو و نیم میلیون مهاجر از خاک امریکا ، بارک اوباما رئیس جمهوری است که توسط گروه های حمایت از مهاجران ، با کنایه به منصب او به عنوان "فرمانده کل قواء" به "اخراج کننده کل قواء" ملقب شده است. آمار دولتی سال ۲۰۱۶ هنوز انتشار نیافته ولی بین سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ ، دولت او با اخراج بیش از دو و نیم میلیون مهاجر ، از تعداد مهاجرانی که در دوران جرج بوش از کشور اخراج شده بودند ، پیشی گرفته است. در جریان انتخابات ، برخوردهای جنگ طلبانه اوباما و هیلری کلینتن به دونالد ترمپ این "برگ برنده" را داده بود که او با پز "مخالف جنگ های بی هدف و بی برنامه" اعلام کند که یا ما نباید به عراق حمله نظامی می کردیم ، یا حالا که به آن جا لشکر کشیده ایم ، در آن جا باقی بمانیم و تمام منابع نفتی آن ها را در اختیار و به تصرف خود در آوریم. ترمپ در سخنرانی های انتخاباتی خود ، بارک اوباما و هیلری کلینتن را به عنوان "بنیانگذاران داعش" معرفی کرد که با بیرون کشیدن سریع و بی موقع ارتش امریکا از عراق ، در آن جا "خلا" ایجاد کردند تا داعش بتواند رشد کند. یک بار هم اعلام کرد که داعش قرار است به اوباما به عنوان بنیانگذار آن ، "جایزه" بدهد!

اساساً با سیاست های جنگ افروز امپریالیست ها در خاورمیانه و سایر نقاط جهان و به وجود آمدن پناهندگان خانمان سوخته و مهاجرت آن ها به اروپا ، در یک طرف ، و فقر و فلاکت شدید ناشی از بحران های اقتصادی و سیاست های ریاضت کشانه و بیرحمانه دولت ها در تقریباً همه کشور های سرمایه داری ، در طرف دیگر که منجر به غیر قابل تحمل شدن شرایط زندگی و نارضایتی شدید مردم در اقصی نقاط جهان و احتمال تشدید مبارزات آن ها علیه نظم موجود جهانی گردیده ، در امریکا هم همچون استرالیا و کشور های اروپائی ، برای مقابله با این اوضاع به ایده های افراط گرایانه نژادپرستی ، ضد خارجی ، ضد مهاجران ، ضد مذاهب غیر مسیحی دامن زده شده است. ترمپ هم درست بر

بستر این شرایط و بیان نظراتی نشأت گرفته از این افکار که برای "سیاست در امریکا" کاملاً تازه و بی سابقه بود ، توانست به ریاست جمهوری برسد. نباید فراموش کرد که سرمایه داری در امریکا به هر دوی کاندیدا ها – یعنی کلینتن و ترمپ اجازه شرکت در انتخابات را داده بود چرا که برای سیستم سرمایه داری امریکا ، انتخاب هر یک از این کاندیدا ها ، قابل قبول بود. هر چند ترمپ برای حفظ و پیشبرد این سیستم نماینده راه و روش متفاوتی از کلینتن که ادامه همان راه و روش اوباما بود ، می باشد. نگاهی به تبلیغات انتخاباتی و چگونگی برخوردهای ترمپ در طی دوره انتخابات افشاگر چهره او بوده و نشان خواهد داد که چه کسی با چه برنامه هائی این بار حفظ و پیشبرد سیستم سرمایه داری در امریکا را به عهده گرفته است.

ترمپ در طول دوره انتخاباتی به برخوردهای غیر معمول و زورگویانه متوسل شد. در کتاب "هنر معامله" که به اسم دونالد ترمپ ولی با قلم و همکاری تونی شوارتز نوشته شده ، آمده است که او در ایام جوانی از پدر میلیونرش یاد گرفته بود که زندگی یعنی جدال ، جدال بین پیروزمندان و شکست خوردگان ، بین کسانی که غریزه کُشتن دارند و کسانی که کشته و بازنده محسوب می شوند. ترمپ همیشه به دوستان خویش متذکر می شود که هیچ وقت به هیچ نوع شکستی نبایستی اعتراف کرد ، بلکه به عکس ، آن را باید "پیروزی" جلوه داد. دونالد ترمپ می گوید: "هر شایعه ای، اگر به اندازه کافی تکرار بشود ، مردم شروع به باور کردن آن می کنند!" همیشه در گفتن هر واقیعی مبالغه کنید چرا که مردم دلشان می خواهد که به یک چیز با عظمتی به عنوان بزرگترین ، عالیترین و تماشائترین چیز باور داشته باشند". بر این اساس در تمام دوران کسب و کار معاملات ملکی دونالد ترمپ ، شکایت به دادگاه و ادعای خسارت با ارقام غیر باور ، از روش های شناخته شده او بوده اند.

یک رسم در امریکا وجود دارد که هر کاندیدای ریاست جمهوری ، مدارک مالیاتی حداقل سه ساله خود را برای بررسی عموم منتشر بکند تا نشان داده شود که درآمد او در سه سال گذشته چقدر بوده و چقدر از آن را به عنوان مالیات از دست داده و چقدر از آن را مثلاً به بنگاه های خیریه ، کمک مالی کرده است. اما ترمپ به بهانه این که اداره مالیات در حال بررسی فرم های مالیاتی اوست ، از نشان دادن آن فرم ها سر باز زد. وی می گفت که بنا به نصیحت و در مشورت با وکلایش ، به خاطر "حسابرسی" اداره مالیات ، از نشان دادن فرم های مالیاتی خود معذور است. حتی وقتی گفته شد که حداقل نامه اداره مالیات را نشان بده که آن ها در حال بررسی پرونده تو هستند ، او این کار را هم نکرد!

یکی دیگر از رسم و رسوم های کاندیدای ریاست جمهوری در امریکا ، نشان دادن گزارش پزشکی از سلامت جسمی فرد می باشد. دونالد ترمپ هفتاد ساله برای مدت های مدیدی این درخواست مطبوعات و رادیو – تلویزیون ها را به تعویق می انداخت و همیشه می گفت که هر وقت صلاح دید و در موقع مقرر این کار را خواهد کرد. تا این که بالاخره یک روز ، وی یک گزارش دو صفحه ای از یک دکتر بازنشسته متخصص در بیماری های معده و روده – هرالد بورن استین که سراسر آن غلط املائی و انشائی داشت منتشر نمود. متن این به اصطلاح گزارش پزشکی که همه معتقد بودند توسط خود ترمپ نوشته شده ، مدت ها موضوع طنز و مزاح برنامه های کمدی شبانه تلویزیون های امریکا بود. اصطلاح "نتیجه همه آزمایشات طبی منفی" بودند ، یک اصطلاح پزشکی است ، یعنی این که مریض سالم است. ولی در گزارش پزشکی دونالد ترمپ نوشته شده بود که نتیجه همه آزمایشات طبی "مثبت" بودند ، یعنی این که او همه آن امراض را دارد ! چرا که دونالد ترمپ فکر کرده بود که چون منفی بد است و مثبت خوب است ، پس نتیجه همه آزمایشات طبی او "مثبت" بوده اند. یا این که آن دکتر در آن گزارش طبی ادعا کرده بود که دونالد ترمپ یکی از سالم ترین کاندیدهای است که تا به حال برای ریاست جمهوری به صحنه آمده است. وقتی که آن دکتر بازنشسته، کاندیدهای

دیگر را آزمایش پزشکی نکرده ، این ادعا که او سالم ترین فرد بین آن کاندیدا هاست ، یک ادعای پوچی بیش تر نمی تواند باشد. ادعائی که خود ترمپ در مورد خودش در مقایسه با رقیبای سیاسی اش نوشته بود. وقتی خبرنگاران از دکتر مزبور راجع به کهولت دونالد ترمپ هفتاد ساله که مسن ترین رئیس جمهور امریکا خواهد بود ، پرسیدند که آیا او نگران این مسأله نیست ، وی جواب داد که: "اگر اتفاقی برای اون بیفته ، خُب دیگه ، افتاده ، مثل بقیه ما ها ، مگه نه ! برای همینه که ما معاون رئیس جمهور داریم ، سخنگوی مجلس و یک عالمه آدم های دیگه توی این خط داریم. اصلاً مهم نیست ، همشون میتونن یکی پس از دیگری بیفتن بمیرن" !

در اوائل انتخابات ، دونالد ترمپ در یک کنفرانس رادیو - تلویزیون و مطبوعاتی و در جلو دوربین های فلم برداری گفت که: "روسیه ، اگر دارید گوش می کنید ، من این را به شما می گویم ، امیدوارم که شما بتوانید آن سی هزار ایمیلی که (اشاره به ایمیل های حذف شده هیلری کلینتن) گم شده اند را پیدا کنید. فکر می کنم که شما (روس ها) احتمالاً پاداش هنگفتی از مطبوعات ما دریافت خواهید کرد". جار و جنجالی که دعوت یک کاندیدای ریاست جمهوری از یک ابرقدرت رقیب امریکا یعنی روسیه ، در کمک به کنار زدن کاندید دیگر و پیروزی او در انتخابات ، در امریکا ایجاد کرد ، بی سابقه بود. دو ، سه روز بعد از آن ، به دنبال حملات انتقادی همه جانبه به "عرق ملی" و "رگ میهن پرستی" او ، تنها دفاع دفتر انتخاباتی ترمپ این بود که او در این زمینه "شوخی" کرده است !

در بعضی از حوزه های انتخاباتی که در هشت سال گذشته همه به ابامای سیاهپوست رأی داده بودند ، حالا همه "رأی" های آن نواحی ، همگی به ترمپ سفیدپوست نژادپرست اختصاص داده شده است !!! این امر ، یعنی مسأله "مهندسی در انتخابات" ، چیزی که سرمایه داری امریکا از صحبت کردن در مورد آن ابا و وحشت دارد ، را پیش رو می آورد ، چرا که اذعان به تقلب در رأی گیری ، زلزله در ارکان دموکراسی و انتخابات به اصطلاح آزاد نظام حاکم می اندازد.

جالبی این موضوع در این است که ترمپ در مورد "مهندسی در انتخابات" و "از قبل تعیین شدن برنده انتخابات" و این که همه دست در دست هم گذاشته اند تا هیلری کلینتن برنده بشود ، مرتب سخنرانی می کرد. "مهندسی در انتخابات" موضوعی بود که تا به حال در هیچ دوره ای ، از هیچ رقیب سیاسی شنیده نشده بود. این نکته به حدی از طرف او تکرار شد که همه باور کردند که او زمینه را برای اعتراض به شکست احتمالی خود آماده می کند. به طوری که وقتی از او سؤال شد که آیا هنگام شکست ، با آبرومندی ، شکست خود و پیروزی رقیب را اعلام می کند یا نه؟ جواب داد که من الان جواب شما را نمی دهم که شکست خود را قبول خواهم کرد یا نه. بعد مرتب به چندین ایالت ، ایالاتی که در گذشته معمولاً به کاندیدای حزب دموکرات رأی داده بودند ، پشت سر هم مسافرت می کرد و راجع به این که هیلری کلینتن برای حذف ایمیل های دولتی دوران وزارت امور خارجه اش که کار "غیر قانونی" است ، باید به زندان فرستاده شود و او و همسرش ، بیل کلینتن از سران کشورهای مختلف پول می گرفتند و آن سیاستمداران به سازمان خیریه بین المللی کلینتن تحت نام کمک مالی ، رشوه می دادند تا با او به عنوان وزیر امور خارجه امریکا نشست و برخاست بکنند و حتماً به این دیدار ها در ایمیل هائی که هیلری حذف کرده ، اشاره شده است ، مرتب صحبت می کرد. به طوری که تا صحبت از هیلری کلینتن پیش می آمد ، همه طرفداران ترمپ فریاد می زدند که هیلری متقلبه ، بندازیش زندان ! بندازیش زندان ! دو هفته مانده به روز انتخابات ، رئیس پولیس فدرال امریکا - اف بی آی که عضو حزب جمهوری خواه است ، هم در نامه ای به مجلس نمایندگان اعلام کرد که یک کامپیوتر متعلق به شوهر دستیار هیلری کلینتن پیدا شده و آن ها در حال تحقیقات هستند که ببینند آیا چیزی از ایمیل های حذف شده هیلری کلینتن در آن کامپیوتر وجود دارند یا نه. البته برداشت از آن نامه این بود که اگر هیلری کلینتن مرتکب جرم سیاسی شده است ، خود به خود

کاندیدای ریاست جمهوری از وی سلب خواهد شد و نباید به او رأی داده شود. لازم به توضیح است که از تاریخ خاصی، مردم می‌توانند که با دریافت فرم انتخابات، کاندیدای مورد نظر خود را انتخاب و از طریق پست، چندین هفته زودتر از روز انتخابات، آن فرم‌ها را برای کمیته انتخابات بفرستند. بعد از آن نامه، دو سه روز مانده به روز انتخابات، رئیس اف بی آی اظهار داشت که پولیس فدرال در آن کامپیوتر چیزی که مربوط به هیلری کلینتن باشد پیدا نکرده است! بسیاری از طرفداران هیلری کلینتن معتقد هستند که تأثیر منفی نامه اول، کار خود را کرد و در روزهای بین دو نامه، هر کس که به انتخاب بین کلینتن یا ترمپ شک داشت، علیه کلینتن و به نفع ترمپ رأی خود را برای کمیته انتخابات فرستاده است.

اما به هر حال کافی بود که بعضی از اطرافیان ترمپ با توطئه و با برنامه ریزی قبلی، با صرف میلیون‌ها دلار، صندوق‌های فقط بعضی از حوزه‌های انتخاباتی در چهار یا پنج ایالت را با نام او پر کنند، یا در ذخیره‌های الکترونیک کامپیوترهای انتخابات بعضی از ایالت‌ها دست ببرند، تا او به ریاست جمهوری برسد، شایعه‌ای که در مورد نفوذ ارتش "سایبری" روسیه در بعضی از کامپیوترهای انتخابات بعضی از ایالت‌ها، گفته می‌شود. لازم به توضیح است که در بعضی از پنجاه ایالت آمریکا، هم صندوق جمع‌آوری رأی کاغذی و هم کامپیوترهای مخصوص انتخاباتی وجود دارند. در انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، از آن جایی که مهم نیست که تعداد کل اکثریت انتخاب‌کننده در تمامی پنجاه ایالت متحده آمریکا به چه کسی رأی داده‌اند، بلکه تعداد اکثریت انتخاب‌کننده در هر ایالتی، مقدار معینی از "الکتورال ووت" آن ایالت را به برنده می‌دهد. هر کسی به ۲۷۰ شماره "الکتورال ووت" برسد، برنده کل انتخابات محسوب می‌شود. در نتیجه مهم نیست که کاندیدایی با ۱۰۰ رأی بیشتر یا با یک میلیون رأی بیشتر از مثلاً ایالت فلوریدا، برنده بشود. برنده ایالت فلوریدا، ۱۹ "الکتورال ووت" از ۵۳۸ "الکتورال ووت" را به خود اختصاص می‌دهد. حدود یک ماه بعد از روز انتخابات، وقتی همه آراء به شمارش رسیده‌اند، "الکتور"های هر ایالتی به دور هم جمع می‌شوند و رأی نهائی خود را به کاندیدای برنده آن ایالت می‌دهند. به نظر خیلی‌ها این شیوه رأی‌گیری غیر دموکراتیک است ولی به هر حال گفته می‌شود که این نوع رأی‌گیری برای جلوگیری از اجحاف نظر ایالت‌های پر جمعیت نسبت به ایالت‌های کم جمعیت‌تر می‌باشد. در نتیجه اگر چه هیلری کلینتن حدود سه میلیون بیشتر از دونالد ترمپ رأی به دست آورد ولی مجموعه "الکتورال ووت"های او ۲۲۷ بود که نسبت به ۳۰۴ برای ترمپ، به حد نصاب ۲۷۰ نرسیده بود. تعداد هفت نفر از "الکتور"ها هم به کسان دیگری رأی دادند که رأی آن‌ها فرقی در نهایت کل مجموعه نکرد.

از طرف دیگر، یک ماه مانده به انتخابات، رؤسای هفده سازمان امنیتی و جاسوسی آمریکا به کنگره و کاخ سفید نامه نوشتند و در آن به ارتش "سایبری" روسیه که به دستور شخص پوتین به ایمیل‌های کنونی افراد حزب دموکرات دستبرد زده بودند، اشاره کردند. این هفده سازمان امنیتی و جاسوسی در نامه محرمانه خود نوشته بودند که روس‌ها، ایمیل‌های جان پودستا - رئیس دفتر انتخاباتی هیلری کلینتن را برای به خطر انداختن و تخریب شانس انتخاب کلینتن در اختیار جولیان آسانژ، صاحب سایت ویکی‌لیکس قرار داده بودند تا او با درج آن ایمیل‌ها، تمام اسرار خصوصی و برنامه ریزی‌های او بدر بردن رقبای اولیه هم حزب هیلری کلینتن، یعنی برنی سندرز را به تدریج چاپ بکند. به طوری که محتوای آن ایمیل‌ها موجب استعفای رئیس حزب دموکرات، درست در روز نامگذاری هیلری کلینتن به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری و شروع کار یک رئیس موقت حزب دیگر بود، شد. این فرد دوم هم به عنوان "تحلیل‌گر سیاسی" در یکی از کانال‌های تلویزیونی به نام سی‌ان‌ان کار می‌کرد. بعد از چاپ او چاپ شد که در یکی از مناظره‌های سیاسی بین ترمپ و کلینتن (که هر دفعه توسط یکی از کانال‌های تلویزیونی انجام می‌شد) برای

گروه کلینتن نوشته بود که یکی از سؤال هائی که در این مناظره از هیلری کلینتن خواهد شد ، فلان مطلب خواهد بود ، تا کلینتن بتواند خود را برای جواب دادن آماده کند . این همان حرفی بود که دونالد ترمپ از روز اول می زد و ادعا می کرد که همه رادیو ها - تلویزیون ها و مطبوعات طرفدار برنده شدن کلینتن و ضد من هستند و می گفت من فقط شما ها "مردم" را دارم . او همچنین مطرح می کرد که تمام مکزیکی ها دزد ، قاتل ، تجاوزگر جنسی و قاچاقچی مواد مخدر هستند . من فرض می کنم که شاید در میان آن ها آدم های خوبی هم پیدا بشوند ، اما می بایستی یک دیوار چندین میلیارد دلاری در مرز بین امریکا و مکزیک ساخته شود تا از ورود مکزیکی ها و مردم سایر کشور های امریکای مرکزی به امریکای شمالی گرفته شود . او می گفت من دولت مکزیک را مجبور خواهم کرد که آن ها مخارج دیوار را بپردازند . بعد گفت نه ، ما اول این دیوار را می سازیم ، بعد پولش را به زور از آن ها می گیریم . از ورود تمام "مسلمانان" به خاک امریکا جلوگیری می کنم . قبل از آن که به آن ها ویزای ورود بدهیم ، حسابی آن ها را سین - جیم می کنیم تا مبادا وقتی به این جا آمدند ، کارهای تروریستی بکنند !

چنین شیادی ، یک بار در یکی از سخنرانی های انتخاباتی خود اظهار داشت که اگر هیلری کلینتن به قدرت برسد ، قانون حق داشتن "اسلحه" را برای شهروندان لغو خواهد کرد و با نیشخندی ادامه داد که شاید کسانی که به این قانون معتقد هستند بتوانند از این مسأله جلوگیری کرده و این مشکل را منتفی بسازند! همان موقع ، دوربینی که بر روی صورت کسانی که پشت سر او نشسته بودند و به سخنرانی او گوش می دادند متمرکز شده بود ، نشان داد که دهان فردی که متوجه نکته ترمپ (یعنی دعوت از کسانی که اسلحه دارند ، به سوء قصد به جان رقیب سیاسی او) شده بود ، به حالت تعجب باز شد! پیشنهاد به سوء قصد به جان رقیب سیاسی او ، جار و جنجال زیادی به راه انداخت . روز بعد هم سخنگوی دفتر دونالد ترمپ در جمع خبرنگاران ظاهر شد و اظهار داشت که مقصود ترمپ این بوده که کسانی که به قانون حق داشتن "اسلحه" معتقد هستند با انتخاب او و رأی ندادن به هیلری کلینتن از این مسأله جلوگیری کرده و این مشکل را منتفی خواهند ساخت !!!

در سال ۲۰۰۸ ، زمانی که او باما و هیلری کلینتن از حزب دموکرات خود را برای رقابت در انتخابات اولیه حزبی و کاندیدای ریاست جمهوری آن دوره آماده می کردند ، یک ایمیل از یکی از افرادی که برای هیلری کلینتن کار می کرد بیرون آمد که در آن نوشته شده بود که چون بارک حسین او باما مسلمان است و در کشور غنا و نه در امریکا متولد شده است ، طبق قانون انتخابات ، نمی تواند برای ریاست جمهوری نامزد بشود . دفتر انتخاباتی هیلری کلینتن با اخراج آن شخص و عذرخواهی از دفتر انتخاباتی او باما در مورد تئوری افریقائی بودن او باما ، به آن شایعه پایان داد . ولی دونالد ترمپ با روحیه نژادپرستی و ضد سیاهپوستی خود ، در تمام مدت هشت سال ریاست جمهوری او باما ، هر جا فرصتی گیر می آورد در مورد این ادعا که او باما در غنا متولد شده و امریکائی نیست و هر کسی شناسنامه او باما را به او نشان بدهد ، از او پنج میلیون دالر جایزه دریافت خواهد کرد ، ضدیت خود را با شخص او باما نشان می داد . در نهایت ، هشت سال بعد ، یکی دو ماه مانده به روز انتخابات ، وقتی که بر روی او فشار گذاشته شد که در شناسنامه او باما نشان داده می شود که او در ایالت هاوانی که یکی از پنجاه ایالات امریکاست و از یک مادر سفیدپوست متولد شده و توسط پدر بزرگ و مادر بزرگ سفید پوست در ایالت هاوانی بزرگ شده ، وی از همه رادیو و تلویزیون ها و مطبوعات دعوت کرد تا فردای آن روز در هتل پنج ستاره او جمع شوند تا او در مورد محل تولد او باما - شایعه ای که او بیش از هشت سال به آن دامن زده بود - نظر نهائی خود را بدهد . در آن روز همه کانال های خبری ، برنامه های عادی خود را قطع کرده بودند تا از این واقعه مهم تاریخی ، این که ترمپ چه خواهد گفت ، خبر زنده پخش کنند . نهایتاً بعد از مدت ها انتظار و سخنرانی از طرف او ، معلوم شد که او آن روز را برای افتتاح هتل پنج ستاره خود انتخاب کرده بود .

در نتیجه این خبر که هتل با عظمت و لوکس چشمگیر وی، زیر بودجه و زودتر از زمان موعود آماده به کار شده است، زنده از سراسر کانال های تلویزیونی پخش شد. وی گفت وقتی من رئیس جمهور بشوم، تمام پروژه های دولتی زیر بودجه و زودتر از زمان موعود آماده خواهند شد! در آخرین لحظات پایان پخش زنده برنامه، ترمپ با حالت عصبانیتی گفت که "رئیس جمهور اوپاما در امریکا متولد شده است، نقطه" (مقصود او از گفتن "نقطه" علامتی است که در پایان جمله گذاشته می شود)، یعنی این که او موضع خود را اعلام کرده است و دیگر حرفی برای گفتن ندارد. متعاقباً، او بدون جواب دادن به سوالات متعدد خبرنگاران، از سالون کنفرانس خارج شد.

از ترمپ هفتاد ساله، مصاحبه های رادیو و تلویزیونی زیادی در طول سال های گذشته به جای مانده است. در بسیاری از این مصاحبه ها، او آن چنان در مورد زیبایی و اندام دخترش ایوانکا صحبت می کند که عرق شرم بر پیشانی هر پدری که آن ها را بشنود، می نشیند. در یک مصاحبه رادیویی می گوید که سینه های دخترش طبیعی هستند و او عمل جراحی سینه نداشته است. یک بار در یک مصاحبه تلویزیونی دیگر گفت که حیف من پدر او هستم، و گر نه حتماً با او روی هم می ریختم. یک بار دیگر هم وقتی ایوانکا در کنارش نشسته بود، مصاحبه گر زن از هر دوی آن ها می پرسد که وجه مشترک بین شما پدر و دختر چیست؟ ایوانکا اول جواب می دهد که بازی گلف. ترمپ می گوید، من خواستم بگویم "سکس"، ولی خوب همان بازی گلف !!! وی تا به حال سه بار ازدواج کرده است. دو بار آخر، ازدواج او با معشوقه هائی بوده که در زمان ازدواج قبلی داشته است. در یکی دیگر از مصاحبه های رادیویی می گوید که او به عنوان برگزار کننده مسابقات "ملکه زیبایی زنان" و مراسم انتخاب "دوشیزگان شایسته" که سالانه صورت می گیرد، همیشه سر زده و بدون اعلام قبلی وارد سالونی که آن ها مشغول لباس عوض کردن هستند، می شود و سؤال می کند که مبادا آن ها چیزی کم و کسر داشته باشند! بعد هم یک نوار صوتی از او در آمد که یازده سال پیش در سن ۵۹ سالگی، بدون آن که یادش باشد که میکروفونی که به یقه کتتش وصل شده، روشن است، در مورد این که او هر وقت هر زن خوشگلی را که ببیند، لب های آن ها را می بوسد و آلت تناسلی (با بیان اصطلاح بسیار رکیک) آن ها را در دست می گیرد و چون او پولدار و معروف هست، آن ها به او اعتراض نمی کنند، صحبت کرد. چند روز بعد از انتشار این نوار، تعداد ده نفر زن اظهار داشتند که تمام آن حرف ها درست بوده و او سال ها پیش همه این کار ها را با آن ها کرده است. ترمپ هم گفت که همه آن ها دروغ می گویند و از طرف هیلری کلینتن به آن ها پول و وعده و وعید داده شده است. یکی از آن ها را به خاطر شکل و شمایل کنونی او با داشتن موهای سفید، مسخره کرد و گفت یک نگاهی به او بیندازید، من آن قدر هم بد سلیقه نیستم! وی اعلام کرد که بعد از این که رئیس جمهور شد، از همه آن زن ها به خاطر بدنام کردن او و خوار کردن شخصیت او به دادگاه شکایت خواهد کرد و غرامت مالی کلانی از آن ها خواهد گرفت. بعد هم در تلویزیون و در شب مناظره ای که نزدیک به صد میلیون بیننده داشت، اظهار داشت این حرفی که او در آن نوار زده بود "غلو" بوده و از آن حرف هائی است که در ورزشگاه ها بین جوانان زده می شود. در عوض، در سالون مناظره، از چهار زن مسنی که در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتن از وی شکایت جنسی کرده بودند، دعوت کرده بود که جلوی هیلری کلینتن بنشینند تا به اصطلاح اعصاب او خراب شود و نتواند به سؤال های مناظره جواب های مفهوم داری بدهد. اگر چه ناظران سیاسی، هیلری کلینتن را برنده آن مناظره اعلام کردند، ولی بیل کلینتن مجبور شد که به خاطر وجود آن چهار زن در سالون مناظره، آن شب در خانه بماند و مناظره همسرش هیلری کلینتن را از طریق تلویزیون نگاه بکند.

یکی از قول های انتخاباتی دونالد ترمپ در مورد حذف قانون بیمه سلامتی با نام بیمه "مقرون به صرفه" برای بیست و دو میلیون امریکائی بی بضاعت یا کم بضاعت با یارانه دولتی از شرکت های بیمه خصوصی است که اوپاما بدون

موافقت کنگره و سنا و در مخالفت شدید آن ها با این برنامه ، فقط با امضای خود به مرحله قانونی رسانده است. درصد کمی از حق بیمه سلامتی "مقرون به صرفه" توسط فرد بی بضاعت یا کم بضاعت پرداخت می شود. بقیه آن حق بیمه های بی حساب و کتابی که توسط خود شرکت های بزرگ بیمه تعیین شده اند ، با یارانه دولتی پرداخت می شود. شرکت های بیمه خصوصی سود های کلانی در این معامله می برند ، ولی با این وجود ، حق بیمه ها را سالانه گران تر و گران تر می کنند که نتیجتاً به پرداخت یارانه های بیشتری منجر می شود. کاخ سفید – ترمپ و پنس و کنگره با وجود جمهوری خواهان در اکثریت ، تصمیم گرفته اند که اولین کاری که خواهند کرد ، لغو قانون بیمه سلامتی "مقرون به صرفه" باشد.

لازم به توضیح است که در دوران ریاست جمهوری بوش پسر که از حزب جمهوری خواهان بود ، اکثریت نمایندگان کنگره و اکثریت سناتور ها ، همه از حزب جمهوری خواه بودند. در زمانی که کاخ سفید و همه کارمندان دولت به عنوان مجریان قانون ، کنگره و سنا به عنوان قانون گذاران ، همگی کلاً در دست جمهوری خواهان یا کلاً در دست دموکرات ها باشند ، قوانین جدیدی که گذاشته می شوند و یا قوانین قدیمی که تغییر می کنند ، با مخالفتی از طرف هیچ یک از این سه جزء ، روبه رو نمی شود. در ریاست جمهوری ترمپ ، دو باره این سه جزء ، یعنی کاخ سفید ، کنگره و سنا در دست جمهوری خواهان قرار گرفته است و او مدعی شده است که همه قوانینی را که با امضای او باما به رسمیت رسیده اند، ملغی خواهد کرد. در اوائل ابتدای دوران انتخابات ، با این که تقریباً همه سران حزب جمهوری خواه با ترمپ از سر مخالفت و انتقاد برخاستند اما او با حمله به سران جمهوری خواه هم "حزب" خود و به قولی با کودتا در آن حزب ، به کاندیدای ریاست جمهوری از طرف آن حزب رسید. اکنون شرایطی به وجود آمده که اکثر مخالفان سابق او در حزب جمهوری خواه ، برای گرفتن شغل و مقام دولتی ، به بوسیدن انگشتر دست او به رقابت افتاده اند.

ترمپ در اوائل انتخابات علیه برخی از مهره های معروف جمهوری خواه ، مثل بوش پدر و دو بوش پسر ، و یا کالین پاول وزیر سابق امور خارجه در کابینه بوش در مورد آگاهی از عدم وجود سلاح های کشتار دسته جمعی در عراق و "دروغ" گفتن در باره آن ، موضع گرفت که منجر به موضع گیری های متقابل آن ها علیه ترمپ و این که او صلاحیت رئیس جمهور شدن ندارد و آن ها (یعنی جمهوری خواهان معروف) شخصاً به رقیب او یعنی هیلری کلینتن از حزب دموکرات رأی خواهند داد ، شد. اما امروز اکثر همان ها بعد از پیروزی ترمپ در انتخابات در کنار او قرار گرفته اند و راجع به لزوم اتحاد در حزب جمهوری خواه صحبت می کنند. مثلاً ترمپ اظهار داشت که از نظر او سناتور جمهوری خواه پر قدرت، مک کین (که در زمان جنگ بین امریکا و ویتنام خلبان هواپیمای جنگی بوده ، که جت جنگی او در ویتنام سقوط کرده و دستگیر و در آن جا مدت پنج سال زندان بوده و بعداً به امریکا فرستاده می شود) "قهرمان جنگ" به حساب نمی آید ، چرا که "قهرمان" هیچ وقت زنده دستگیر نمی شود. یا در مورد پاول رایان ، رئیس و سخنگوی جمهوری خواه کنگره که سومین نفری است که بعد از کشته شدن رئیس جمهور و معاون او ، قانوناً به مسند ریاست جمهوری امریکا می رسد گفت که او باید عوض شود چون خوب کار نمی کند. وقتی هم پاول رایان برای انتخابات ایالتی خود فعالیت می کرد ، ترمپ از رقیب سیاسی او پشتیبانی کرد که البته علی رغم حمله ترمپ به او ، پاول رایان برنده شد و کماکان رئیس و سخنگوی کنگره باقی ماند و بعداً در تبریک به ترمپ هم دست او را فشرد و از خوبی های او تعریف کرد. ترمپ در مورد یکی دیگر از رقبای هم حزب خود که برای ریاست جمهوری خود را کاندید کرده بود یعنی سناتور ایالت تگزاس – تد کروز گفت که پدر او در سال ۱۹۶۳ میلادی در سوء قصد به کندی شرکت داشته است ! در مورد یکی دیگر از رقبای هم حزبی خود که تنها سیاهپوست کاندیدای ریاست جمهوری از حزب جمهوری خواهان – بن کارسون بود گفت که او یک دروغ گوی ذاتی است. دروغ گویی ذاتی یک مرض است ،

مرضی که درست مثل کسی که دوست دارد با کودکان سکس داشته باشد نمی شود آن را مداوا کرد. البته حالا همان شخص یعنی بن کارسون در کابینه ترمپ وزیر مسکن و شهر سازی شده است. ترمپ یک رقیب مؤنث دیگر که رئیس کارخانه کامپیوتر سازی اچ پی بود - کارلی فیورینا را به خاطر شکل و شمایلش مسخره کرد که قیافه اش به رئیس جمهوری امریکا نمی خورد! در حالی که اکنون همین خانم به عنوان رئیس سازمان اطلاعات ملی در کابینه دونالد ترمپ شرکت خواهد کرد. دونالد ترمپ یکی دیگر از رقبای هم حزبی خود - فرماندار سابق تگزاس ، ریک پری، را که گفته بود که اگر رئیس جمهور بشود ، وزارت انرژی را حذف خواهد کرد ، کاندیدای ریاست وزارت انرژی کرده است. او همچنین اسکات پرویت - دادستان کل ایالت اوکلاهما که معتقد است "گرمایش دمای جهان" یک نظریه غیر علمی و غیر واقعی است و از دست سازمان "حفاظت از محیط زیست" چندین بار به دادگاه شکایت کرده است را به ریاست سازمان "حفاظت از محیط زیست" انتخاب کرده است!

از آن جایی که سناتور میچ مکائل ، به عنوان رهبر سناتور های حزب جمهوری خواه که در سنا رتبه اکثریت دارند با انتشار بیرونی نامه محرمانه هفده سازمان امنیتی و جاسوسی امریکا در مورد نقش پوتین و ارتش "سایبری" روسیه در دستبرد به ایمیل های حزب دموکرات ، نامه ای که درست یک ماه مانده به انتخابات نوشته شده بود ، شدیداً مخالفت کرده بود ، دونالد ترمپ هم بعد از پیروزی در انتخابات ، به عنوان قدردانی از میچ مکائل برای کوشش او در جلوگیری از درج بیرونی آن نامه ، همسر میچ مکائل - ای لین چاو را به عنوان وزیر حمل و نقل در کابینه خود انتخاب کرد.

دونالد ترمپ سه نفر از جنرال هائی که در دوره اوباما از ارتش برکنار شده بودند را به دور خود جمع کرده و در کابینه خود به کار گمارده است. مسلماً این جنرال های بازنشسته هم دوستان ارتشی خود را در وزارت خانه های مربوطه به پست های مهم رسانده و آن ها هم دوستان هم نظر خود را استخدام خواهند کرد. منتقدین ترمپ معتقد هستند که وجود این چنین تعداد ارتشی در کابینه رئیس جمهور بی سابقه بوده است. جنرال بازنشسته جیمز متیس ، مشهور به "سگ دیوانه" به عنوان وزیر دفاع انتخاب شده است. این در حالی است که بنا بر یک رسم سنتی دیرینه در امریکا ، معمولاً همیشه یک شهروند غیر ارتشی به عنوان وزیر دفاع در این وزارت خانه کار کرده است تا به اصطلاح بین ارتش و دولت تعادل بر قرار شده باشد. اما چون به جای هفت سال بازنشستگی از ارتش ، جنرال جیمز متیس تنها سه سال است که از ارتش برکنار شده ، قبول صلاحیت او در دست کنگره است که با وضع یک قانون استثناء ، اول هفت سال بازنشستگی را در مورد او به سه سال تقلیل دهند ، بعد صلاحیت او را مورد بررسی قرار دهند. جنرال جیمز متیس در یکی از سخنرانی هایش گفته است: "همیشه مؤدب باشید و حرفه ئی رفتار کنید ولی برای کشتن هر کسی که با وی ملاقات می کنید برنامه ریزی هم نکنید".

جنرال بازنشسته جان کلی ، وزیر امنیت کشور از آن دسته ارتشی هائی است که علناً طرفدار شکنجه با آب یا "غرق شدن مصنوعی" می باشد. در این شکنجه زندانی را بر روی تخت می خوابانند و دهان و دماغ او را با حوله بسته و با ریختن آب مداوم بر روی حوله ، از نفس کشیدن و رسیدن هوا به شش اسیر جلوگیری می کنند. نفس کشیدن از طریق حوله خیس در زندانی شکنجه شده ، حالت خفگی و حس غرق شدن ایجاد می کند و بعد از یکی دو دقیقه دست و پا زدن در آن حالت ، وی مجبور به اقرار به هر چیزی که از او خواسته شده باشد ، می شود. اضافه بر آن ، جنرال جان کلی از مخالفان سرسخت شرکت زنان در ارتش نیز هست.

جنرال بازنشسته مایکل فلین ، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور کسی است که در تئوئتر اخبار قلابی و شایعات ضد هیلری کلینتن را بی محابا "پخش دوباره" می کرد. پسر او که یک افسر ارتش هست به عنوان رئیس دفتر او کار می

کند ، ادعا کرد که هیلری کلینتن در زیرزمین یک رستوران در شهر واشنگتن با کودکان به سکس مشغول می شود و اسم رمز "پیتزا" در این رستوران همان درخواست "سکس با کودکان" است. چند هفته بعد از پیروزی ترمپ در انتخابات ، فردی از یک ایالت دور به واشنگتن مسافرت کرد و با اسلحه وارد آن رستوران شد و با شلیک هوایی در آن جا ، خواهان دیدن زیرزمین آن رستوران شد که با دستگیری وی توسط پولیس ، آن غائله به پایان رسید. بعداً هم معلوم شد که در آن رستوران اصلاً "زیرزمینی" وجود نداشته و تنها چون صاحب رستوران به عنوان یک عضو حزب دموکرات به دفتر انتخاباتی هیلری کلینتن کمک مالی کرده بوده ، مورد هدف اخبار قلبی و شایعه از جانب طرفداران ترمپ در توئیتر قرار گرفته بود.

جف سشن سناتور ایالت آلاباما که یکی از دست راستی ترین سناتور های کنگره است ، به عنوان دادستان کل کشور انتخاب شده است. وی که از سفید پوستان نژاد پرست و یکی از طرفداران "کوکلاس کلان" ها به شمار می آید ، معتقد است که تنها عیب گروه کوکلاس کلان این است که بعضی از اعضای آن مواد مخدر می کشند! وی که از مخالفان سرسخت مهاجران می باشد ، از طرفداران اولیه دونالد ترمپ بود و از آغاز فعالیت انتخاباتی او برای انتخاب شدن ترمپ برای ریاست جمهوری ، نزدیک به دو سال به همه ایالات امریکا سفر کرد و در تعریف از ترمپ ، در سخنرانی های متعددی شرکت نمود.

در طول سالیان گذشته ، ترمپ همیشه برای فرار از پرداخت مخارج برج های ساختمانی خود اعلام ورشکستگی کرده است. وکیل متخصص "ورشکستگی" او دیوید فریدمن می باشد که امور ورشکستگی ۹۹۰ میلیون دلاری کازینو آتلانتیک سیتی او را که با بیش از یک میلیارد دلار وام بانکی بنا شده بود را در سال ۱۹۹۱ میلادی انجام داد. حالا که دونالد ترمپ در انتخابات ریاست جمهوری برنده شده است ، دیوید فریدمن به عنوان سفیر کبیر امریکا در اسرائیل انتخاب شده است. دیوید فریدمن هیچ وقت شغل دولتی نداشته است. وی معتقد است که اسرائیل حق دارد که در سرزمین های اشغالی کرانه باختری "شهرک سازی" بکند. او گفته است که لزومی برای همزیستی و وجود "دو دولت" در اسرائیل نیست. دیوید فریدمن معتقد است که سفارت امریکا می بایستی از تل آویو به اورشلیم منتقل شود.

یکی دیگر از قول هائی که دونالد ترمپ در دوران فعالیت انتخاباتی به هوادارانش داد ، مسأله انتقال سفارت امریکا در اسرائیل از تل آویو به اورشلیم است. در سال ۱۹۹۵ با تصویب قانونی ، امریکا موظف شد تا در آخرین روز سال ۱۹۹۹ ، سفارت خود در اسرائیل را از تل آویو به اورشلیم منتقل کند. دولت اسرائیل ، اورشلیم را پایتخت خود می داند ولی ساختمان سفارت بسیاری از کشور های جهان در تل آویو بوده و اورشلیم را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت نمی شناسند. این شهر از طرف هر سه دین "مسیحیت ، یهودیت و اسلام" به عنوان شهر مقدس شناخته می شود و رسمیت یافتن آن به عنوان پایتخت اسرائیل کاملاً به ضرر فلسطینی ها خواهد بود. بسیاری از تحلیل گران سیاسی معتقد هستند که ایجاد ساختمان یک سفارت جدید در اورشلیم ، مشکلات سیاسی - مالی - ایمنی متعددی را با خود برای امریکا ایجاد می کند. مثلاً دولت امریکا به کارگرانی که در کار ساختمان و سیم کشی برق آن شرکت خواهند داشت ، اعتماد ندارد. مخارج ساختمان یک سفارت که همانند یک قلعه عمل کند و همچون یک دژ ارتشی نفوذ ناپذیر باشد و حفاظت ایمنی و کنترل خارج و داخل ساختمان سفارت جدید ، چندین میلیارد دلار خرج بر خواهد داشت. برای همین هم از سال ۲۰۰۰ تا به حال ، بیل کلینتن ، جرج بوش و بارک اوباما ، ساختن سفارت را برای هر شش ماه یک بار ، موقتاً به عقب انداخته اند. ولی حالا دونالد ترمپ گفته است که او کار ساختمان سفارت را شروع خواهد کرد. منتقدان ترمپ معتقد هستند که با به رسمیت شناختن اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل و ایجاد ساختمان جدید سفارت امریکا در

آن شهر ، خشم فلسطینی ها بر انگیزته خواهد شد و این امر "صلح" بین اسرائیلی ها و فلسطینی های دولت خود مختار را بر هم خواهد زد.

در چنین شرایطی انتخاب ترمپ به عنوان رئیس جمهور امریکا باعث شده که منتقدان او بگویند که دولت ها و افراد مختلف ، برای خوشرقصی و جلب نظر او ، به مسابقه برای اجاره اتاق ها و سالون های هتل برج های ترمپ در سراسر دنیا فعال شده اند. برای مثال ترمپ یک ساختمان قدیمی اداره پست در شهر واشنگتن را از دولت امریکا اجاره کرده و آن را به یک هتل شیک پنج ستاره تبدیل کرده است. از حالا به بعد ، انتظار این خواهد بود که هیأت های مذاکره کننده با دولت امریکا ، وقتی در امریکا هستند ، در هتل ترمپ در واشنگتن اقامت بگزینند و غذای رستوران های گران قیمت هتل ترمپ را بخورند. اولین کشوری که این کار را کرد (زمانی که هنوز ترمپ قسم ریاست جمهوری که در بیستم جنوری ۲۰۱۷ اتفاق خواهد افتاد را نخورده است) دولت بحرین بود که جشن سالگرد "روز بحرین" را در سالون هتل ترمپ گرفت و خرج هنگفتی کرد.

هر وقت هم ، رئیس جمهور یا نخست وزیر هر کشوری تلفونی با دونالد ترمپ تماس گرفته است که به او تبریک بگوید ، وی راجع به مشکلات جواز ساختمان سازی برج های ترمپ در آن کشور ها تذکر داده است و از شرکای مالی خود به عنوان آدم های خوبی برای پست سفیر کبیری آن کشور ها در امریکا ، نام برده است. اما این کار او یعنی تعریف از شخص به خصوصی در ترکیه به دستگیری و به زندان افتادن شخص سوم دیگری منجر شد. جریان واقعه از این قرار است که محمد فتح الله گولن ، آخوند مرتجع ترکی که در ایالت پنسیلوانیای امریکا زندگی می کند ، از طرف رجب طیب اردوخان رئیس جمهور ترکیه متهم به رهبری کودتای ناکام که اخیراً در ترکیه صورت گرفت ، شده است. اردوخان از دولت اوپاما خواست که گولن برای محاکمه به ترکیه مسترد بشود ، ولی دولت اوپاما این درخواست او را به خاطر عدم ارائه مدارک مشخص در رابطه با نقش او در کودتای اخیر ، رد کرده است. هنگام تلفون تبریک اردوخان به ترمپ ، دونالد ترمپ از داماد شریک میلیاردی خود یعنی آیدین دوغان تعریف کرد. مهمت علی یالسنین داگ که داماد دوغان است یکی از هیأت مدیران شرکت مشترک سرمایه گذاری بین ترمپ و دوغان در ترکیه است که امور دو برج مسکونی و اداری ترمپ در استانبول را بر عهده دارد. پس از تلفون تبریک ، اردوخان یکی دیگر از هیأت مدیران شرکت دوغان و شریک مالی مهمت علی یالسنین داگ را به اتهام شرکت در کودتا به زندان انداخت. در برخی گزارشات گفته شده که شاید بعد از بیستم جنوری ۲۰۱۷ ، آزادی آن مدیر شرکت دوغان که شریک مالی ترمپ محسوب می شود با استرداد آخوند تبعیدی محمد فتح الله گولن به ترکیه ، صورت بگیرد.

در شرایطی که وی از دوستان و شرکای خارجی خود به عنوان کاندیدا های خوبی برای سفیر کبیری آن کشور ها در امریکا تعریف و تمجید می کند - مثلاً این کار را در مورد نایجل فراج ، رهبر جنبش خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا انجام داد - بدون شک انتخاب رکس تیلرسون (رئیس یکی از بزرگترین شرکت های نفتی امریکا در جهان به نام اکسان - موبیل که از ولادمیر پوتین بالاترین مدال دوستی گرفته) ، به عنوان وزیر امور خارجه ، بدون سفارش دوست و شریک مالی تیلرسون یعنی پوتین نبوده است. تنیدگی مالی چندین میلیارد دلاری شرکت نفتی اکسان - موبیل و رئیس آن رکس تیلرسون با شرکت های نفتی دولتی روسیه که تحت کنترل پوتین و شرکاء هستند ، آن چنان پیچیده است که منتقدین ترمپ ادعا می کنند که وزیر امور خارجه منتخب ، یعنی رکس تیلرسون مورد تأیید صلاحیت کنگره ای که حتی جمهوری خواهان در اکثریت آن هستند ، واقع نخواهد شد.

یکی دیگر از قول هایی که دونالد ترمپ به هوادارانش داده ، این است که او به محض ورود به کاخ سفید ، قرارداد هسته ئی با ایران را پاره خواهد کرد ، چرا که او معتقد است که متن قرارداد به نفع ایران نوشته شده و امریکا در این

تعهدنامه ضرر کرده است. یک بار هم که چندین قایق سریع السیر ایرانی در خلیج فارس در جلو یکی از ناوگان های نیروی دریایی امریکا ویراژ داده بودند ، ترمپ گفت که اگر من به جای کاپیتان آن ناوگان بودم ، همه آن قایق ها را با دود به هوا می فرستادم.

از سال ۱۹۷۹ میلادی ، رئیس جمهور های مختلف امریکا ، تنها دولت مستقر در بیجینگ و جمهوری خلق چین را به رسمیت شناخته و جزیره تایوان و دولت مستقر در "تای پی" با بیست و سه میلیون نفر جمعیت را جزئی از چین بزرگ به حساب می آورند. ولی دونالد ترمپ در مورد این سیاست خارجی امریکا که به نام "چین یگانه" معروف است گفته است که او به سیاست "چین یگانه" اعتقادی ندارد و خود را ملزم نمی بیند که آن را دنبال کند. منتقدان ترمپ معتقد هستند که وی با پذیرفتن تلفون تبریک آمیز از رئیس جمهور تایوان ، رابطه آینده امریکا و چین را منقلب کرده است. آن ها معتقد هستند که علت نزدیکی ترمپ با چین ملی در تایوان ، به خاطر مذاکره هائی است که افراد نزدیک به ترمپ با دولت تایوان برای ساختن برج و هتل ترمپ در نزدیکی های فرودگاه بین المللی تایوان در "تای پی" داشته اند.

در حالی که کت و شلوار و کراوات های مردانه با مارک ترمپ ، ساخت چین هستند ، ترمپ در دوران فعالیت های انتخاباتی خود همواره می گفت که او سرمایه دارانی را که برای استفاده از کار ارزان به مکزیک و سایر کشور ها رفته اند را با بستن ۳۵ درصد "تعرفه" به محصولات شان در هنگام بازگشت به امریکا ، جریمه خواهد کرد تا آن سرمایه داران "شغل" های از دست رفته را به امریکا باز گردانند !! کارخانه کولر سازی "کری یر" یکی از این کارخانجاتی بود که مدت ها پیش اعلام کرده بود که قرار است یکی از ساختمان های کارخانه خود را تعطیل و حدود هزار کارگر را در ایالت ایندیانا بیکار بکند و در عوض یک کارخانه در مکزیک بسازد. بعد از پیروزی ترمپ در انتخابات ، رئیس کارخانه کولر سازی "کری یر" اعلام داشت که وی با دونالد ترمپ و معاون او یعنی مایک پنس که فرماندار کنونی ایالت ایندیانا محسوب می شود ، ملاقات کرده و تصمیم گرفته که کارخانه اش ، در ایالت ایندیانا به کار خود ادامه بدهد. چند روز بعد روزنامه ها و رادیو - تلویزیون ها آشکار کردند که این کار فقط یک در "باغ سبز" نشان دادن به طرفداران ترمپ بیشتر نبوده چرا که فرماندار ایندیانا - مایک پنس با دادن کمک مالی چند میلیون دلاری از حساب دولتی ایالت ایندیانا به رئیس کارخانه کولر سازی "کری یر" و قول حذف مالیات در چندین سال آینده برای محصولات کولر این کارخانه ، در واقع به این کارخانه "رشوه" داده است که از امریکا بیرون نرود. امری که دیگر سرمایه داران حریصی را که قصد رفتن هم نداشتند را به وجد در آورده تا آن ها هم خواهان کمک مالی و حذف مالیات برای محصولات خود بشوند. مایک پنس که حالا به پست معاونت رئیس جمهوری رسیده و سخت مشغول مصاحبه با کانیدا های وزارت خانه های مختلف برای ساختن کابینه ترمپ است ، قاعدتاً می بایستی از شغل قبلی خود یعنی فرمانداری ایالت ایندیانا استعفا می داد تا شخص دیگری بتواند به پیشبرد امور ایالتی بپردازد. ولی او با باقی ماندن در رأس بالاترین دفتر ایالتی یعنی فرمانداری ، در واقع دست ترمپ را در استفاده از پول های صندوق مالی ایالت مذکور باز گذاشته تا برای مخارجی که طبق قوانین انتخاباتی ، استفاده از بودجه دفتر انتخاباتی ترمپ غیر قانونی است ، منبع مالی دیگری وجود داشته باشد.

در گذشته نچندان دور ، دونالد ترمپ در بسیاری از شهر های امریکا اقدام به تأسیس "دانشگاه ترمپ" با شهریه سنگین کرده بود. در این دانشگاه ها قرار بود که در مورد "معاملات ملکی" به کسانی که خواهان این بودند که یک شبه پولدار بشوند ، درس داده شده و مدرک فارغ التحصیلی به آن ها داده شود. اما در واقع، این مدارک قبلی برای کسانی که از نان شب خود زده بودند تا به "دانشگاه ترمپ" شهریه بپردازند ، درآمدی ایجاد نمی کردند. دانشگاه های ترمپ برای این درست شده بودند تا با اخذ شهریه های سنگین از دانشجویان بی بضاعت ، منبع درآمد دیگری برای دونالد

ترمپ میلیاردر دست و پا کنند. بعد از مدتی هم، در های این به اصطلاح دانشگاه ها بسته شدند و دست دانشجویان ناراضی از همه جا کوتاه ماند. در دوران فعالیت های انتخاباتی ترمپ، دادستان کل ایالت نیویورک با همکاری با دادستان های ایالت دیگر، از ترمپ در مورد قلابی بودن آن دانشگاه ها و سرکپسه کردن تمام کسانی که پول شهریه را به سختی تهیه کرده بودند، به دادگاه شکایت کرد. اما دونالد ترمپ به جای این که در دادگاه حضور پیدا کند تا محاکمه شود، موافقت کرد که با پرداخت بیست و پنج میلیون دالر جریمه، بدون قبول هیچ نوع مسئولیت و تقصیری، پرونده این شکایت را ببندد، تا شهریه های دانشجویان هم از آن بیست و پنج میلیون دالر جریمه به آن ها برگردانده شود. ولی ترمپ ادعا کرد که بسیاری از دانشجویان در فرم هایی که پر کرده بودند از دانشگاه ترمپ اظهار خشنودی کرده بودند و شکایت دادستان نیویورک انگیزه سیاسی داشت چون او از اعضای حزب دموکرات و طرفدار هیلری کلینتن می باشد. دوز و کلک های دونالد ترمپ در دوران دو ساله فعالیت انتخاباتی اش شخصیت کسی را به نمایش گذاشت که برای به هدف رسیدن، از گفتن هر چیزی و انجام هر کاری ابائی ندارد. هر ایرادی که او از رقیب سیاسی خود می گرفت، در مورد خودش بیشتر صادق بود ولی او با وقاحت خاصی از کنار آن ها می گذشت. مثلاً این که مؤسسه خیریه جهانی بیل و هیلری کلینتن پوششی برای درآمد های غیر قانونی آن هاست در مورد ترمپ نیز معلوم شد که وی برای پنهان کردن درآمد واقعی خود و فرار از این که درآمدهایش شامل مالیات نشوند، از مشتریان خود می خواسته که به جای پرداخت مستقیم به کمپانی او، با کسر مبلغ جزئی از آن، آن پول را به مؤسسه خیریه او به عنوان "کمک مالی" بفرستند. بعد، او از بودجه ذخیره شده در مؤسسه خیریه برای صرف مخارج متفرقه از قبیل پرداخت جرایم دادگاهی و یا خرید قاب دو متری نقاشی شده از نیم رخ صورتش برای نصب در راهروی سالون هتل و زمین گلف خود به نام "مارالاگو" در ایالت فلوریدا استفاده کرده است. همه این نوع مخارج از مؤسسه ای که تحت لوای "خیریه" ثبت شده است، در امریکا غیرقانونی بوده و مجازات مالی دارد. اما او با استخدام دائمی یک گروه از وکلای زبردست، همیشه آماده شکایت از دیگران و یا شکایت از دست کسانی است که از او شکایت کرده اند و همواره برای مرعوب کردن طرف دعوا، ادعای خسارت با ارقام نجومی از آن ها می کند.

می توان گفت که فرق انتخابات "مهندسی" شده در امریکا با کشور هائی نظیر ایران در این است که یک قدرت ماورای احزاب موجود در امریکا نیست که نتیجه انتخابات را از قبل تعیین بکند، بلکه دو حزب اصلی جمهوری خواهان و دموکرات، آزاد هستند تا آن جایی که بتوانند و برنامه "مهندسی" شده شان برملا نشود، علیه یکدیگر فعالیت کنند. مثلاً در سال ۱۹۷۲ میلادی در انتخابات دور دوم بین نیکسون که رئیس جمهور حزب جمهوری خواهان بود و مک گاورن که کاندیدای حزب دموکرات بود، طرفداران نیکسون هنگام کار گذاشتن میکروفون های مخفی در دفتر فعالیت انتخاباتی مک گاورن در ساختمانی به نام "واترگیت"، جهت پی بردن به مذاکره های حزب رقیب، دستگیر شدند و این کار آن ها دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۷۴ میلادی منجر به استعفای رئیس جمهور وقت یعنی نیکسون که برای بار دوم برنده شده بود، گردید.

هم اکنون دونالد ترمپ افرادی را در کابینه خود جمع کرده است که هر یک از آن ها، یا از رقبای سیاسی و هم حزبی ترمپ بوده اند که بعد از گذشت چهار سال آینده، علیه او و به رقابت با او برای دور دوم ریاست جمهوری بر نخواستند، یا این که میلیاردر هائی هستند که به دفتر انتخاباتی او کمک های مالی کرده بودند مثل اریک پرینس بنیان گذار و رئیس ارتش خصوصی "بلک واترز" که با استخدام سربازان غیر ارتشی یا سابقاً ارتشی برای جنگ در عراق، به ثروت باور نکردنی دست یافت. ترمپ هم خواهر اریک پرینس یعنی بتسی دی واس را به عنوان وزیر آموزش و پرورش کابینه خود انتخاب کرده است. در جهت بسط و توسعه مدارس خصوصی و انتفاعی که برای کودکان

پولداران در ایالت میسیگان ایجاد شده اند ، بتسی دی واس از زمره میلیونر های فعالی است که به برداشت از بودجه دولتی وزارت آموزش و پرورش که سنتاً بسیار محدود و نازل می باشد ، اعتقاد دارد . امری که آشکارا در جهت دستبرد هر چه بیشتر ثروتمندان از بودجه ضعیف و نحیف دولتی که برای تعلیم و تحصیل کودکان کارگران و زحمتکشان در نظر گرفته شده است ، به نفع مؤسسات آموزشی خصوصی و انتقاعی می باشد .

دونالد ترمپ سرمایه داری است که ثروت چند میلیاردی خود را با بالا کشیدن وام های بانکی با ارقام نجومی و با دوز و کلک و ادعای خسارت و خالی کردن جیب سایر سرمایه داران و اساسی تر از آن ، با استئمار کارگران ساختمانی در ساختن آسمانخراش های متعددی که در سراسر جهان دارد به دست آورده است . کسانی که او به عنوان اعضای کابینه خود انتخاب کرده ، همه نیز از قماش وی می باشند . مثلاً وی ، اندرو پازدر ، صاحب رستوران های زنجیره ئی همبرگر فروشی "کارلز جونیور" و "هاردی" را به عنوان وزیر کار انتخاب کرده ، کسی که از میلیونر هائی است که به دفتر انتخاباتی دونالد ترمپ کمک های مالی بیشماری کرده است . سال گذشته ، اندرو پازدر در یک سخنرانی در یک کنفرانس اقتصادی ، خشنودی خود را در پیشرفت ربات ها یا ماشین های کامپیوتری ، در جانشینی کارگران اظهار داشت . وی گفت که ربات ها : "همیشه مؤدبانه کار می کنند ، درصد فروش آن ها همیشه بالا می باشد ، هیچ وقت تقاضای مرخصی نمی کنند ، هیچ وقت لیز و زمین نمی خورند که نیاز به مداوای پزشکی داشته باشند ، هیچ وقت به خاطر کهولت ، یا به خاطر تبعیض جنسیتی و یا تبعیض نژادی ، به دادگاه شکایت نمی کنند" . وی از آن دسته سرمایه دارانی است که مخالف پیشنهاد قانون ازدیاد حداقل حقوق کارگران از هفت دالر و بیست و پنج سنت در ساعت به پانزده دالر در ساعت می باشد . او ادعا می کند که قانون ازدیاد حداقل حقوق ، باعث ورشکسته شدن سرمایه داران و نهایتاً به ضرر کارگران تمام خواهد شد .

از نگاه مرد سالار پازدر ، زنان برای لذت مردان آفریده شده اند . این دیدگاه در همه تبلیغات تلویزیونی رستوران همبرگر فروشی "کارلز جونیور" به عینه به نمایش گذاشته می شود . در تمامی این ویدیوهای تبلیغاتی ، زنان نیمه لخت در حال خوردن همبرگر بر روی تختخواب ، به طرز شنیعی به خود می پیچند . این نوع تبلیغات رستوران همبرگر فروشی "کارلز جونیور" سال هاست که از طرف سازمان های مترقی زنان مورد انتقاد قرار گرفته است . ولی از نگاه پازدر ، تنها مردانی که با دیدن این نوع تبلیغات سکسی در تلویزیون ، برای خوردن همبرگر به رستوران های او می روند ، برای او مهم هستند و اگر زنانی که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند ، به خاطر این که در این نوع ویدیو های تبلیغاتی مورد تحقیر قرار می گیرند ، پای به رستوران های او نگذارند ، برای او مهم نیست . پازدر ، همچنین تحلیل گر سیاسی در کانال تلویزیونی دست راستی "فاکس" و یکی از طرفداران اولیه دونالد ترمپ می باشد . وقتی از او سؤال شد که آیا اگر از او دعوت بشود ، در کابینه ترمپ شرکت خواهد کرد یا نه؟ اندرو پازدر با نیشخندی پاسخ داد که شرکت در کابینه ترمپ بهترین لذتی است که شخص می تواند در عین حالی که لباس پوشیده است ، داشته باشد ! این جواب وقیحانه او نمایانگر بینش او و همخوانی فکری با دونالد ترمپ در دیدن هر چیزی تنها از زاویه سکس و جنسیت است .

یکی دیگر از مواضع "بحث بر انگیز" دوران فعالیت های انتخاباتی دونالد ترمپ ، مسأله دفاع نظامی از بیست و هفت کشور عضو سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) توسط ارتش امریکا بود . دونالد ترمپ درخواست دفاع و کمک نظامی به هر کشور عضو ناتو که مورد حمله "دشمن" قرار گرفته شده باشد را منوط به پرداخت سر موعد حق عضویت آن کشور ها به امریکا اعلام کرد و اظهار داشت که وقتی او رئیس جمهور بشود ، همیشه امریکا اول به فکر خودش خواهد بود و دوران "سواری مجانی دادن" امریکا تمام خواهد شد . در یکی از سخنرانی های انتخاباتی گفت

چرا جاپان به خاطر شرکت در پیمان ناتو به امریکا حق عضویت نمی پردازد؟ چرا دفاع از جاپان باید بر عهده امریکا باشد؟ جاپان هم می تواند با تولید و توسعه بمب هسته نی ، به زمره کشورهای بیبوند که بمب های هسته نی دارند. مسأله نقش امریکا در پیمان ناتو تا به آن جا کشیده شد که طبق خبر خبرگزاری ها ، اوپاما در آخرین سفر خود به برلین و هنگامی که در کنار انگلا مرکل صدر اعظم المان قرار گرفت ، مجبور شد به لزوم ادامه روابط دوستانه بین امریکا و المان تاکید کند.

این که چگونه هیلری کلینتن با داشتن نزدیک به سه میلیون رأی بیشتر ، ریاست جمهوری را به دونالد ترامپ که آشکارا از ولادیمیر پوتین تعریف می کند ، باخت ، مسأله ای ست که تاریخ ، جزئیات آن را بعد ها روشن خواهد کرد. ولی آن چه امروز مشخص است این است که در شرایط تشدید تضادهای طبقاتی در جامعه امریکا، بیشتر سرمایه داران امریکائی خواهان روی کار آمدن فردی چون ترامپ که بیانگر برنامه های خشونت آمیز هر چه بیشتری می باشد بودند که از طرق مختلف و از جمله از طریق سیستم "الکتورال ووت" اراده خود را اعمال کردند.

آن چه مسلم است ، به روی صحنه آمدن ترامپ خود بیانگر شدت گیری تضاد های طبقاتی - اجتماعی که همواره در بستر جامعه امریکا وجود داشته اند ، می باشد و او به نوبه خویش این تضادها را دامن زده و شدیداً آن ها را قطبی کرده است. حالا طوری شده که کولکس کلان های نژاد پرست که تا همین چندی پیش مخفیانه و به اصطلاح زیر زمینی زندگی می کردند ، تظاهرات های علنی خیابانی می گذارند و تجمع های خود را در سالون های هتل های معتبر برقرار می کنند. نژادپرستی سفید پوستان علیه سیاه پوستان و مهاجران قهوه ای پوست و زرد پوست ، علیه زنان و همجنس گرایان و مسلمانان و... در میان جوانان سفید پوست دامن زده می شود. ترامپ در سخنرانی های متعدد خود قول داد که وقتی رئیس جمهور می شود ، باتلاق واشنگتن ، پایتخت امریکا را از سیاستمداران فاسد خشک خواهد کرد. البته سوسمار ها و تمساح هائی که او قرار است با خود به واشنگتن بیاورد ، ممکن است همه حیوانات باتلاق واشنگتن را یک لقمه کنند و همه به زودی خواهند دید که هر "تغییری" لزوماً تغییری به نفع آن ها نخواهد بود.

دسمبر ۲۰۱۶

(* کشتار متداوم مردم بیگناه توسط "درون" ها یا هواپیما های بدون خلبان

<http://www.siahkal.com/index/mid-col/PF174-Drones-va-koshtare-mardom.pdf>